

چرا نابودی جهاد طلبان را اجازه نخواهند داد

پپه اسکوبار

Pepe Escobar

مرکز مطالعات جهانی سازی

1 سپتامبر 2017



فرضیه کار خیلی جدی، از مدتها پیش بحث و جدل بین تحلیلگران مستقل در زمینه جغرافیای سیاسی، بطور خلاصه چنین است.

داعش شاید در حال مردن باشد، ولی جسد متحرکش هنوز برای جهان دست و پا گیر است. طرح ب از دیدگاه اربابان داعش می تواند در کل اتحادیه اروپا، تزریق ایدئولوژی به امواج پی در پی جوانان گم گشته بوده باشد و آنها را به (Do It Yourself) «خودتان دست به کار شوید» واگذار کردند تا تروریسم جهاد طلب در اروپا ترس و ناامنی ایجاد کند. من اخیراً به بارسلون رفتم ولی این چیزی نیست که در شرف وقوع است، هیچ وضعیت ترسناکی احساس نمی شود.

داعش به همچنین می تواند از نام و نشان خود برای راه اندازی شعارها و فراخواستهائی در بطن آن چیزی که می توانیم **New War Belt** جنگ نوین کمربندی در آسیای جنوب غربی بنامیم. و این نظریه نیز فاقد اعتبار است و چیزی نیست که در شرف وقوع بنظر می رسد، زیرا «1+4» یعنی روسیه، سوریه، ایران، عراق + حزب الله با اضافه کردن ترکیه و سپس چین در نقش «leading from behind» یعنی رهبر در سایه، با هم کار می کنند.

جنگ ناتمام در سوریه و عراق در پیوند با جهادیسیم در اروپا مطمئناً هنوز می تواند به سرطان خطرناکی برای اورآسیا تبدیل شود، و مثل طاعون از افغانستان تا آلمان گسترش یابد و از سوی دیگر از دریای چین جنوبی با عبور از پاکستان به بروکسل و برعکس عمل کند.

آنچه در این سناریوی انفجاری به وقوع خواهد پیوست از خط خارج شدن کامل جاده های ابریشم چین است، به بیان دیگر Belt and Road Initiative جاده ابریشم نوین، که تنظیم آن با اتحادیه اقتصادی اورآسیا به هدایت روسیه است، چنین امری با سناریوهای جنگی غیر قابل کنترلی که در کنار مرزهایشان صورت می گیرد برای امنیت و ثبات همکاریهای استراتژیک روسیه و چین تهدید بزرگی خواهد بود.

راز مگوئی نیست که برخی عناصر و مؤسسات هرج و مرج سیاسی درون مرزی روسیه و چین را خیلی می پسندند(1).

شارلی قوی تر می شود

دکتر زیباییگنیف «شطرنج بزرگ» برژینسکی گرچه چشم از جهان فرو بسته، ولی جسد او برای جغرافیای سیاسی هنوز دست و پا گیر است. پافشاری او در تمام طول زندگی اش این بود که هیچ یک از رقبای ایالات متحده نباید به منسۀ ظهور برسند. او را تصور کنید که در حال مرگ است و کابوسی را می بیند که در شرف وقوع است: اتحاد پان اورآسیا بین روسیه و چین.

سناریو با حجم انفجاری کمتر جلب یکی از دو طرف، روسیه یا چین برای تبدیل و شویق آنها به همکاری با آمریکا ست، با این حساب که چه کسی «تهدید» کمتری در آینده خواهد داشت. برژینسکی روی روسیه به مثابه خطر فوری تمرکز کرده بود و خطر چین را به دراز مدت موکول می دانست.

بر این اساس، عادت اجباری دولت اعماق (یا دولت سایه) در آمریکا و ماشین کلینتون آغشته به نئو مکاریسم کودکانه همه جلوه گاه های روسیه را ابلیس نمائی می کنند. نتیجه فوری این چاه سیاه در جغرافیای سیاسی به شکل اجتناب ناپذیری پیش روی هر چه سریعتر چین روی همه مرزها بود.

بی آنکه فراموش کنیم که همکاری استراتژیک روسیه و چین هر روز پایدارتر می شود، در فیلم «اینک آخرالزمان» (به انگلیسی Apocalypse Now) اثر کوپولا، سرهنگ ویلارد چیزی می گوید که موضوع ما را تداعی می کند: «هر دقیقه ای که در این اتاق می گذرانم ضعیفتر می شوم، و هر دقیقه که چارلی خودش را در علفزار جمع و جور و پنهان می کند قویتر می شود».

ولی با وجود این، چارلی پنهان نشده خودش را جمع و جور نکرده، بلکه در حال تسخیر بازار و سرمایه گذاری ست. در علفزار هم نیست، بلکه در جای جای دشتهای اورآسیا به سر می برد.

دسته گل هابزی (2)

یک مرشد آمریکائی دیگر که هنوز در قید حیات و در سن 94 سالگی به سر می برد هانری کیسینجر است. کیسینجر مشاور رئیس جمهور ترامپ پیش از کسب مقام ریاست جمهوری در ژانویه، خود را مهمترین متخصص امور مربوط به چین می داند و پیشنهاد می کند که: باید رضایت روسیه را جلب کرد.

در نتیجه رأی نهائی صادر می شود. با شناسائی اتحاد روسیه، چین، ایران به مثابه کلید برپائی و ادغام اورآسیائی، کیسینجر نیت اصلی خود را آشکار می کند، به این معنا که ضعیفترین حلقه، یعنی ایران، باید خنثی شود.

بر این اساس، بیانیه و اخطار اخیر در مورد «امپراتوری افراطگرائی ایرانی» که از تهران تا بیروت گسترش یافته می تواند جای خالی داعش را با پارسها پر کند.

و اینجا ما با کسینجری روبرو هستیم که باز هم یک بار دیگر به مثابه جنگجوی اصلاح ناپذیر دوران جنگ سرد به همان شکلی که پیش از این بود خود نمائی می کند، خارج شدن از کمونیسیم برای وارد شدن به خمینیسیم به مثابه «شر» مطلق. که پروردگار بتواند دعای ماتریس و هابیت مولد جهاد طلب و کاخ آل سعود را برآورده سازد.

راهکار پیشنهادی کیسینجر شبیه رزم آهنگ برای دولت اعماق آمریکاست، داعش نباید از بین برود بلکه باید به مثابه ابزار علیه ایران موضع بگیرد.

چه کسی می تواند از مفهوم «امپراتوری افراطی ایران» اظهار نگرانی کند در حالی که حتا به شوخی هم باورکردنی نیست؟ لبنان چند فرهنگی ست. در سوریه حزب بعث به حکومت ادامه خواهد داد. عراق با آیت الله سیستانی خمینیسیم را مردود اعلان کرده و با نفوذ قابل توجهی که کسب کرده نظام پارلمانی را ترجیح می دهد.

«1+4 به پشتیبانی چین اتحاد جدی در آتش جنگ سوریه به وجود آورده. راهکار کیسینجر هیچ چیزی را در این واقعیات تغییر نمی دهد. و برای آنچه به «پر کردن فضای خالی» مربوط می شود، آلترناتیو داعش و جبهه النصره از شبکه های القاعده در سوریه. «ولی صبر کنید!»، نئو لیبرال های حزب جنگ. «عالی ست!»

و همین امر کاملاً ما را به فرضیه کار اولیه نزدیک می کند. به داعش اجازه داده نخواهد شد که بمیرد، تا وقتی که باز سازی جغرافیای سیاسی آنچه دکتر زیبگنیف برژینسکی «بالکان اورآسیائی» می نامید از مردن سر پیچی کند.

دولت اسلامی خراسان که در افغانستان گردهم آمده می تواند برای به هم ریختن آسیای مرکزی و آسیای جنوبی که به راه ابریشم بسیار نزدیک است خیلی مفید واقع شود(3).

با وجود این، مسکو و پکن دقیقاً می دانند چه طرحی در شرف وقوع است. خلیفه قلابی برای در هم شکستن راه ابریشم در سوریه و عراق مفید بود، به همان گونه که میدین در اوکراین برای تخریب اتحادیه اقتصادی اورآسیا. جبهه های دیگری برای این جنگ گشوده خواهد شد : از فیلیپین تا ونزوئلا، همه به هدف ایجاد اختلال در طرح پیوند منطقه ای در چهارچوب اختلاف بیانداز حکومت کن برای حکمفرمائی ساتراپهای آمریکائی عروسکهای خیمه شب بازی زیر فشارهای هابزی (مترجم : بخوانید لیبرالیسم) نامتعارف.

شانزده سال پس از 11 سپتامبر، از این پس نام بازی (Global War on Terror) جنگ علیه تروریسم نیست، بلکه زیر پوشش «جنگ علیه تروریسم» اختلال در گسترش جغرافیای سیاسی کسانی ست که با رقبا یعنی روسیه و چین همکاری دارند.

La source originale de cet article est [Sputnik News](#)
Copyright © [Pepe Escobar](#), [Sputnik News](#), 2017

لینک متن اصلی :

<http://www.mondialisation.ca/pourquoi-on-ne-permettra-pas-la-disparition-du-djihadisme/5606972>

ترجمه حمید محوی :

سایت اسپوتنیک و سایت مرکز مطالعات جهانی سازی بمن اجازه داده اند که مطالبشان را به شکل غیر حرفه ای با قید منبع ترجمه و منتشر کنم.

پاورقی مترجم :

1)هرج و مرج طلبی در امور داخلی روسیه چین در عین حال در مورد ایران هم می تواند کاملاً صحیح باشد یعنی موضوعی که یک بار دیگر در خود همین متن نیز تأیید شده. در گذشته خیلی سعی کردند به نفع همین سیاست در ایران آشوب به پا کنند، از جمله خاطرات حسین بروجردی « پشت پرده های انقلاب اسلامی» انباشته از چنین طرح هائی ست، و خود حسین بروجردی نیز در جایگاه پناهنده سیاسی در فرانسه، از فرانسه برای ایجاد بلوا به تهران می رود تا با دوستان

فرانسه و اپوزیسیونهای «دموکراتیک و لائیک و رنگین کمان» رنگ و وارنگ از همه رنگ مثل حسن کله پز و حسین اسکیمو ... به چنین طرح های انقلابی جامه عمل بپوشانند و اخیراً نیز سعی می کنند به نفع همین سیاست هرج و مرج طلب با مسائل زندانیان سیاسی و چهره سازی به بهانه دفاع از حقوق کارگران ایرانی و یا هر مشکل دیگری در سطح کشور ایران آشوب به پا کنند، و مثل دوران جنبش سبز به امید سرنگونی رژیم، جمهوری اسلامی را «فَلِقَلْک» بدهند. امپریالیستها همیشه ضد دیکتاتور و مدافع مردم و کارگران جهان سومی هستند به همین علت گاهی آنان را در گروه های ده ها هزار نفری و حتا میلیونی به قتل می رسانند و چنین حرکتی را «خسارت جانبی ضروری» برای دموکراسی و بهای آزادی می نامند. و در بهترین حالت با ایجاد فشار بین المللی به بهانه های حقوق بشری از ملت‌هایی مثل ملت ایران که فاقد دفاع اتمی و نیروی نظامی بازدارنده اند باج خواهی می کنند. جای شگفتی نیست که هر بار به حق و به ناحق، به صورت خود جوش و یا طراحی شده وقتی بلوایی در ایران روی می دهد، فوراً گروه های مشخص و یا افراد شناخته شده ای را می بینیم که ناگهان دوباره پس از دوره ای سکوت و با فرصت طلبی فیلشان یاد هندوستان می کند و پرچم مدافع حقوق کارگران ایران را بدست می گیرند و با پاهای غول آسای دلار پنتاگونی اطراف و اکناف جهان را می پیمایند تا «دیکتاتور» را به نقض حقوق کارگر یا به نقض حقوق های متنوع دیگر متهم کنند: اقلیتها، بهائی ها، همجنس گرایان، عرب ها و آذربایجانی ها و بلوچ ها و خاصه حقوق زنان. و نه اینکه چنین مشکلاتی وجود نداشته باشد که کل جامعه ایران را در بر می گیرد، ولی موضوع ابزارسازی این مشکلات برای مداخله امپریالیستها به نفع طرح های امپریالیستی در کشورهای مستقل است که همیشه برای مردم این کشورها ویرانگر و مرگبار بوده است. و همه این مصیبتها به نام حقوق بشر، آزادی و دموکراسی، و خاصه به بهانه حق حفظ شیوه زندگی غربی.

2) **توماس هابز Thomas Hobbes**: زاده ۵ آوریل ۱۵۸۸ در انگلستان — درگذشته ۴ دسامبر ۱۶۷۹. یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته انگلستان بود که بیشتر به سبب کارهایش در فلسفه سیاسی و کتاب لویاتان Leviathan: شهرت دارد. این کتاب در سال ۱۶۵۱ نوشته شده و بنیان بسیاری از نظریه های قرارداد اجتماعی را در فلسفه سیاسی به وجود آورده است. لویاتان یا لویاتان به شکل قابل ملاحظه ای روی پیدایش لیبرالیسم و تفکر اقتصادی لیبرال در قرن بیستم تأثیر گذار بود. (برگرفته از ویکیپدیا فارسی و فرانسه)

3) موضوعی که تحلیل من را در مقاله «افغانستان قربانی امپریالیسم» (2 اوت 2017) در مورد عملیات تروریستی در هرات به اثبات می رساند.